



به دست فقیه عادل رامجاز می دانسته اند. برای مثال ابوالصلاح حلبی در کتاب الکافی فی الفقه معتقد است بر فقیه جامع شرایط افتا، در صورت عدم وجود مانع از اجرای حدود و با وجود بسط ید، اجرای حدود نه تنها مجاز بلکه واجب است.^۹ بلکه حتی در صورت عدم بسط ید نیز بر مؤمنان واجب می داند در مقام اجرای حد به فقیه عادل مراجعه کنند.^{۱۰} عجیب تر آنکه شیخ طوسی (ره) در قرن پنجم معتقد است حتی غیر فقیه‌ای که از جانب سلطان جائز برای اجرای حد منصوب شده است مجاز به اجرای حد است اگر مطابق با احکام شرعی و به اعتقاد اجرای آن از جانب سلطان عادل (امام معصوم)؟ عمل کند.^{۱۱} به تعبیر دیگر، برخلاف آنچه مرحوم خوانساری (ره) و استاد محقق داماد لازمه غیر قابل قبول نظریه اجرای حدود در عصر غیبت دانسته اند، شیخ طوسی (ره) به علاوه، آنچه استاد معظم به محقق حلی (فقیه قرن هفتم) منتسب می کنند و استنظاری که از عبارت او در شرایط و مختصر دارند نیز محل تردید است، زیرا بیان یک نظریه با عبارت قبل همواره به معنای رد آن نیست و در مقام قضاوت درباره این نوع نقل قول‌ها باید مجموع عبارت محقق را در نظر گرفت. اولاً محقق حلی (ره) پس از طرح دو نظر فقهی در خصوص اجرای حد توسط منصوبین از جانب سلطان جائز صرفاً دو نظریه را قایل بیان می کند و نظریه جواز را احوط (نزدیک تر به احتیاط) می داند. بیان اینکه نظریه به مقتضای احتیاط نزدیک تر است نشان از رد علمی آن ندارد.^{۱۲} به علاوه، در خصوص اجرای حد توسط فقیه عادل، اگرچه در ابتدا نظریه را با عبارت «قایل» نقل

حکومت و نسبت آن را بدین را جست و جو کرد. به نظری رسد طرفداران تعطیلی حدود در عصر غیبت دین را امری ماورایی تصور می کنند که فقط در زمانی تحقق واقعی می یابد که همه قدرت‌های مارواء الطبیعه ظهور یافته باشند و انسان در سیطره این عوامل ماورایی به طهارت روح دست یابد. همچنین، حکومت را یک حاشیه بر زندگی مؤمنانه تصور کرده اند که در زمان غیبت امام معصوم می تواند به شکلی غیر از شکل تعیین شده در دین اداره و بر مؤمنان اعمال شود. پذیرش این هر دو بی تردید از پذیرش اجرای حد در عصر غیبت توسط فقیه عادل سخت تر است. در عین حال، استاد گرامی در مقام اثبات این نکته که تلازمی میان قبول نظریه ولایت فقیه و نظریه اجرائی تعطیل اجرای حدود در عصر غیبت وجود ندارد کلام منقول از محقق کرکی در رساله نماز جمعه را چنین ترجمه می کند:^{۱۳} «اصحاب امامیه اتفاق نظر دارند در اینکه فقیه عادل امین جامع شرایط فتوی، که از او به مجتهد در احکام شرعیه تعبیر می شود، در تمامی آنچه که نیابت نیاز دارد نایب ائمه هدی است. ولی بسیاری از اصحاب دو چیز را استثنا کرده اند؛ یکی قتال (جهاد) است و دیگری حدود». ایشان عبارت «ربما» در جمله «ربما استثنای اصحاب» را «بسیاری» ترجمه می کنند، در حالی که ربما هم برای تقلیل و هم برای تکثیر استفاده می شود و روشن نیست چرا از میان این دو معنا و به استاد کدام دلیل و قرینه معنای «بسیاری» انتخاب شده است. این در حالی است که جست و جو در میان اقوال فقها نشان می دهد بسیاری از فقها از قرن پنجم تا کنون اجرای حدود در عصر غیبت

از آن‌ها سؤال کرد که اگر شما به دلیل عواقبت سهمگین اجرای حدود (بدنی-جانی) نگران اجرای آن‌ها توسط فقیه عادل در عصر غیبت هستید، چطور سلب آزادی (حبس) برای مدت‌های طولانی مثل چند سال یا سلب مالکیت (جریمه‌های نقدی سنگین) را موجه می دانید؟ چه معیاری صد ضربه شلاق عواقب سهمگین تری از ده سال بلکه پنج سال بلکه یک سال حبس دارد؟ اما اینکه در مقام تأیید نظریه تعطیلی حدود در عصر غیبت به مجموعه‌ای از روایات تمسک شده است که مضمون آن‌ها مطالبه خود مجرم برای اجرای حد نسبت به اوست؛ به اعتقاد ایشان اجرای حدود مخصوص جامعه‌ای است که در آن افراد آن قدر رشد کرده اند که خود اجرای حد را می پذیرند و آن را از پیامبر یا امام علیهم السلام تقاضای کنند.^{۱۴} باین نگاه، اساساً هیچ مجازاتی را نباید در غیر این نوع جامعه مجاز دانست، زیرا مناط واحد است و از این حیث فرقی میان صد ضربه شلاق و یک ضربه وجود ندارد و بنابراین باید اجرای تعزیر را نیز مناسب چنان جامعه‌ای دانست. این در حالی است که فلسفه مجازات بی تردید بازآوردگی است و نه ارضای حس انتقام شارع در این صورت چطور توقع دارند که حدود مقید به جامعه‌ای باشد که مجرم خود خواهان و پذیرای اجرای حد است؟ عجیب تر اینکه روایات فوق الذکر مواردی هستند که نتوان از ارائه قاعده هستند و روشن است که مورد مخصص نیست. در مقایسه میان استدلال و بیان طرفداران تعطیلی حدود در عصر غیبت و طرفداران اجرای آن، باید تفاوت نگرش به مفهوم

اجرای حدود مخصوص جامعه‌ای است که در آن افراد آن قدر رشد کرده اند که خود اجرای حد را می پذیرند و آن را از پیامبر یا امام علیهم السلام تقاضای کنند!